



حقوقدان جناب محمد ولی

زنگ خطر برای اروپا

اروپا یکه پس از جنگ دوم جهانی به صلح و آرامش بسر می برد مصدوم به خطرات جنگی است . حمایت از تداوم جنگ در اوکراین در ملاقات برخی رهبران اروپا در لندن و بیانیه پوتین در مورد حفظ روسیه با بکارگیری سلاحهاییکه در اوکراین استعمال نشده و جهان را به سوی قیامت میبرد همه زنگهای خطر بوده می تواند یا لا اقل آرامش روانی را از مردمان آن قاره می گیرد و خاطرات جنگهای گذشته را تازه می سازد.

این قاره عامل جنگهای خونین و ویرانگر بوده است :

--۱ جنگهای صد ساله از ۱۳۴۰ تا ۱۴۵۳ بین انگلستان و فرانسه .

--۲ جنگهای صلیبی علیه مسلمانان که مشتمل بر چهار جنگ بود از ۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱ که قریب به دوصد سال می رسید از همین قاره آغاز گردید .

۳ -- در سال ۱۵۸۸ جنگ خونین بین اسپانیه و انگلستان رخ داد .

۴ -- جنگهای سی ساله از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ میان کاتولیکها و پروتستانت ها.

۵ -- جنگهای هفت ساله از ۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳ بین فرانسه و انگلستان با شرکت پروس به جانبداری انگلیس و اتریش به جانبداری فرانسه .

۶ -- ناپلئون از ۱۷۹۹ تا ۱۸۱۴ در سراسر اروپا تاروسیه به جنگ پرداخت.

۷ -- جنگ جهانی اول از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ که باعث کشته شدن دو میلیون انسان و ملیونها معلول گردید .

۸ -- جنگ جهانی دوم از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵ که حاصل آن ۵۰ میلیون کشته و ملیونها معلول و معیوب بود . شش میلیون یهود در قرن بیست در همین قاره کشته و سوزانده شد .

این قاره پس از جنگها شاهد توافقات و معاهداتی هم بوده است :

۱ --- معاهده صلح وستفاليا که به جنگهای سی ساله خاتمه بخشید .

۲ -- کنگره وین که پس از شکست ناپلئون باعث تقسیم متصرفات فرانسه شد .

۳ -- معاهده صلح ورسای پس از جنگ جهانی اول و تشکیل جامعه ملل .

۴ -- کنفرنسهای یالتا و پوتسدام در سال ۱۹۴۵ برای تصمیم گیری جهان بعد از جنگ و تشکیل ملل متحد.

با گذشتادن چنین جنگها و داشتن توافقات و معاهدات برای صلح باید تجارب تاریخی این قاره بیشتر از کشور های دیگر باشد ونباید بر تشدید و تداوم جنگ رغبت نشان بدهد .

چهار باریکه نظم نوین در جهان برقرار شده است (نظم نوین بر بنیاد دولت -- ملت ، نظم نوین بر بنیاد توازن قوا ، نظم نوین بر بنیاد حکمیت و آخرین آن بر بنیاد جنگ سرد و تقسیم جهان بدو بلاک) همه ریشه از حوادث بزرگ جنگی قاره اروپا داشته است .

اروپا مظهر تمدن در ۴۰۰ سال اخیر بوده استعمار کشورهای اروپایی آثار این تمدن را به مستعمرات برده است ، ایده های ناسیونالیسم ، دموکراسی و پارلمان توسط تحصیلکرده های کشورهای مستعمرات از اروپا به ممالک مستعمره رفته است .

این قاره در بهره کشی استعماری طولانی ترین و با توسعه ترین زمان استعمار را داشته است . نقش مثبت و منفی اروپا در جهان را نمی توان نادیده گرفت .

در صورت پا فشاری بر تداوم جنگ و تشدید مخاصمت با روسیه آرامش جهان برهم می خورد و بار دیگر این قاره به خطرات همان تاریخ جنگی اش بر می گردد که امید است چنین نشود.

www.hoqooq.eu